

مروری بر تاریخچه روابط دوجانبه ایران و برزیل (هم تکمیلی‌ها و چالش‌ها)

داود رضایی اسکندری^۱

◆ چکیده

روابط ایران و برزیل بیش از یک قرن قدمت دارد و در این مدت به‌رغم فرازونشیب‌های معمول، روندی رو به توسعه داشته است. به‌نحوی که هم‌زمان با توسعه حضور سیاسی ایران در منطقه آمریکای لاتین در سال‌های گذشته، روابط جمهوری اسلامی ایران با برزیل نیز در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و تجاری توسعه یافته است. در این مقاله، ضمن بررسی سیر تاریخی روابط ایران و برزیل از ابتدای ایجاد مناسبات سیاسی تاکنون، به‌طور خاص تحولات روابط ایران و برزیل در دوره پس از انقلاب اسلامی ایران و نیز هم‌تکمیلی‌ها به منظور توسعه روابط و چشم‌انداز موجود برای همکاری‌ها از یک سو و چالش‌های پیش‌رو از سوی دیگر مورد بررسی قرار گرفته است.

• واژگان کلیدی:

ایران، برزیل، روابط دو جانبه، هم تکمیلی‌ها، چالش‌ها

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۱/۱۴ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۳/۵

^۱. کارشناس سیاسی وزارت امور خارجه و دکترای روابط بین‌الملل از دانشگاه تهران

Email: D.rezaee@yahoo.com

مقدمه

روابط ایران و برزیل بیش از یک قرن قدمت دارد و در این مدت به رغم فراز و نشیب‌های معمول، روندی روبه توسعه داشته است. در سال ۱۲۸۲ ش. / ۱۹۰۳ م. اسحاق خان مفخم‌الدوله وزیر مختار ایران در واشنگتن مسافرت‌هایی به چند کشور آمریکای جنوبی به عمل آورد و عهدنامه مودت و تجارت با کشورهای این منطقه از جمله برزیل، آرژانتین، اروگوئه، مکزیک و شیلی را به امضاء رسانید و از همان زمان روابط سیاسی بین دو دولت برقرار گردید. عهدنامه مودت و تجارت با برزیل در ۲۵ خرداد ۱۲۸۲ / ۱۶ ژوئن ۱۹۰۳ منعقد شد و در ۲۱ آذر ۱۳۸۱ / ۱۵ دسامبر ۲۰۰۲ دو کشور به مناسبت یکصدمین سال تأسیس روابط دوجانبه، تمیر یادبودی منتشر کردند. هر چند طبق اطلاعات موجود، تاریخچه اولین ارتباطات و حضور مقامات ایرانی در برزیل به پیش از استقلال آن کشور و زمانی که برزیل هنوز مستعمره پرتغال بود، بازمی‌گردد. در شهریور ۱۱۸۹ / سپتامبر ۱۸۱۰ یعنی دوازده سال پیش از استقلال برزیل در زمان فتحعلی‌شاه قاجار، میرزا ابوالحسن خان ایلچی سفیر ایران در لندن به همراه سرگور اوزلی و برادرش از طریق کشتی به شهر ریودوژانیرو پایتخت نایب‌السلطنه پرتغال سفر کرد و ۱۶ روز در آن شهر اقامت نمود و از سوی دن‌ژوا نایب‌السلطنه پرتغال مورد احترام و تکریم قرار گرفت.^۱ طبق اسناد تاریخی، این اولین سفر یک ایرانی به برزیل و به کل قاره آمریکا بود. چرا که سفر توریستی میرزا محمد علی محلاتی (معروف به حاج سیاح) به آمریکا به عنوان اولین گردشگر ایرانی، حدود چهل سال پس از آن (حدود سال ۱۲۵۴ ش. / ۱۸۷۵ م.) و سفر حاج حسین‌قلی‌خان صدرالسلطنه یا معتمدالوزراء به عنوان اولین سفیر ایران در واشنگتن که به

^۱ سفر میرزا ابوالحسن خان ایلچی به برزیل در صفحات ۳۳۳-۳۳۲ کتاب خاطرات آقای لوئیز گونزالس دوس سانتوس (Luiz Gonçalves dos Santos) به نام "Memorias para server a historia do reino do Brasil" که اولین مرتبه در سال ۱۸۲۵ م. در لیسبون پرتغال چاپ گردید، مورد اشاره قرار گرفته است. افزون بر آن، یکی از روزنامه‌نگاران برزیلی به نام ویالدو کوآراسی (Vivaldo Coaracy) نیز در صفحات ۱۳۱-۱۳۰ کتاب خاطرات خود به نام "خاطرات شهر ریو دو ژانیرو" (Memórias da cidade do Riode Janeiro) و به نقل از کتاب اول به این امر اشاره کرده است. کتاب اخیر اولین بار در سال ۱۹۵۵ م. در ریودوژانیرو و سپس در سال ۲۰۰۸ م. چاپ گردید. نسخه‌ای از هر دو کتاب در سفارت ایران در برزیل موجود است. با این وجود، به دلیل انتقال همه اسناد رسمی به پرتغال با پایان دوره استعمار آن کشور، اسناد رسمی در وزارت خارجه برزیل در این خصوص موجود نیست.

"حاج واشنگتن" نیز معروف گشت، حدود پنج دهه پس از آن (در سال ۱۲۶۷ ش. / ۱۸۸۸ م.) صورت گرفتند. با این وجود آغاز روابط رسمی دیپلماتیک ایران و برزیل به حدود یک قرن بعد از آن و در هنگام سفر مفخم‌الدوله به برزیل بازمی‌گردد. به‌رغم این که امضای عهدنامه مودت و دوستی بین دو کشور معمولاً آغاز رسمی تاریخ روابط سیاسی بین دولت‌ها محسوب می‌شود، اما این اقدام منجر به تأسیس سفارت در دو کشور نشد و تأسیس سفارت ایران در این کشور حدود سه دهه بعد محقق گردید.

در سال ۱۳۱۴ ش. / ۱۹۳۵ م. سفیر ایران در آرژانتین به عنوان سفیر اکرَدیته در برزیل معرفی شد، اما این اقدام دو سال بیشتر به طول نینجامید. چرا که با تعطیل شدن سفارت ایران در آرژانتین بنا به دلایل مالی، برای برزیل نیز سفیری معرفی نشد تا اینکه سرانجام در ۱۴ مرداد ۱۳۲۲ / ۶ آگوست ۱۹۴۳ سفارت ایران در ریودوژانیرو تأسیس گردید و یدالله عضدی به عنوان اولین سفیر ایران در برزیل معرفی شد و تا سال ۱۳۲۷ ش. به عنوان سفیر در آن کشور خدمت نمود.^۱ به دنبال آن، با تغییر پایتخت برزیل از ریو به شهر تازه تأسیس برازیلیا، سفارت ایران نیز به این شهر منتقل گردید.^۲

الف) روابط ایران و برزیل تا پیش از انقلاب اسلامی

از زمان تأسیس سفارت ایران در برزیل تا پیش از وقوع انقلاب اسلامی در ایران به سال ۱۳۵۷ ش. هر دو کشور به بلوک غرب تعلق داشتند و بر همین مبنا روابط حسنه‌ای بین دو دولت و البته در سطح روابط عادی سیاسی، دور از هم و در دو منطقه جغرافیایی مختلف

^۱ در دوران پیش از انقلاب اسلامی در ایران، آقایان یدالله عضدی، حسنعلی غفاری (وزیرمختار)، حسین نواب، محمود فروغی، عبدالحسین حمزوی، عزیزاله بیک‌لیک، حسینقلی امیراصلانی و علی فتوحی به عنوان سفیرای ایران در برزیل خدمت کردند. در دوران پس از انقلاب نیز آقایان محمود موحدی، نعمت‌اللهی، علی ماجدی، بهمن طاهریان مبارکه، منصور معظمی، سیدجعفر هاشمی، محسن شاطرزاده و محمدعلی قانع‌زاده (سفیر کنونی) از جمله سفیرای ایران در برزیل بوده‌اند.

^۲ همزمان با انتقال پایتخت برزیل از ریودوژانیرو به برازیلیا در ۱ اردیبهشت ۱۳۳۹ / ۲۱ آوریل ۱۹۶۰، ساختمان سفارت ایران در برازیلیا به‌عنوان اولین سفارتخانه خارجی در پایتخت جدید در ۱۷ خرداد ۱۳۳۹ / ۷ ژوئن ۱۹۶۰ توسط آقای ژوزلینو کوبیچک، رئیس‌جمهور وقت برزیل افتتاح گردید. هر چند انتقال سفارت به دلیل ملاحظات اداری در چند سال بعد اتفاق افتاد.

جریان داشت. در این مدت، روابط ایران و برزیل عمدتاً بر مبنای همکاری‌های اقتصادی و تجاری، فروش نفت ایران به برزیل (روزانه تا حدود ۱۵۰ هزار بشکه) و خرید برخی اقلام کشاورزی همچون سویا و شکر از برزیل و همکاری‌های فرهنگی استوار بود.

در میان مهم‌ترین رویدادهای روابط دوجانبه ایران و برزیل تا سال ۱۳۵۷ ش. می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- تأسیس انجمن فرهنگی ایران و برزیل در ریودوژانیرو در مهر ۱۳۴۶ و برگزاری چندین جلسه فرهنگی از جمله شب شعر.

- برگزاری نمایشگاه فرش و صنایع دستی ایران در ریو در خرداد ۱۳۴۹.

- نام‌گذاری خیابانی در تهران به نام برزیل در سال ۱۳۵۱ که هنوز هم به همین نام

باقی است.

- انعقاد توافقنامه فرهنگی میان دو کشور در سال ۱۳۳۶ ش. که در ۷ دی ۱۳۴۱ به

اجراء درآمد.

- ایجاد کمیسیون مشترک همکاری‌های اقتصادی در سال ۱۳۵۴ ش. در سطح وزرای

دارایی دو کشور و برگزاری سه دور نشست به ترتیب در تهران، برازیلیا و تهران طی سال‌های

۱۳۵۵-۱۳۵۷ ش.

- انعقاد موافقتنامه همکاری‌های بازرگانی در خرداد ۱۳۵۶.

- انعقاد موافقتنامه همکاری‌های فنی.

- تأسیس دفتر بانک دو برزیل در تهران

- سفر مقامات مختلف برزیل به ایران و بالعکس.

اولین ارتباطات برزیل با ایران با هدف معرفی آن کشور در ایران و منطقه خاورمیانه به

طور کلی از طریق فیلم، کتاب، موسیقی، تئاتر، تجارت و تبادل استاد و دانشجو بود. برزیل با

تأخیر به این منطقه وارد شد. نخستین ارتباطات برزیل با واقعیات این منطقه در دوران حکومت

نظامیان بود که ارتش برزیل در زمان بحران کانال سوئز در سال ۱۳۳۵ ش. برای تشکیل اولین

نیروهای ویژه سازمان ملل^۱ به منظور تأمین امنیت کانال سوئز وارد منطقه شد. (Silva, Preiss, 2011:46)

پیش از انقلاب به ویژه دهه ۵۰ ش. با توجه به منابع گسترده انرژی در ایران و نیاز برزیل به نفت و اعتبار، موازنه تجاری به نفع ایران بود که بزرگ‌ترین تأمین‌کننده نفت منطقه و از سرمایه‌گذاران بزرگ در برزیل بود. (Mortean, 2013:66) به‌عنوان مثال در سال ۱۳۵۶ ش. به عنوان آخرین سال پیش از انقلاب اسلامی ایران، برزیل حدود یک میلیارد و هشتصد میلیون دلار نفت از ایران وارد نمود و ایران به هفتمین صادرکننده برزیل تبدیل شد که ۳/۸٪ از کل واردات آن کشور را شامل می‌شد. در دهه مورد اشاره حدود ۹۰٪ صادرات ایران به برزیل را نفت و مشتقات نفتی تشکیل می‌داد و از طرف برزیل نیز اغلب فولاد، شکر، سویا، روغن سویا و آلومینیوم صادر می‌شد. (Mortean, 23-24) با این وجود، در این دوره به دلیل دوری و فقدان شناخت دو کشور از یکدیگر، ارتباطات گسترده‌ای بین طرفین شکل نگرفت.

طی این مدت، چندین هیأت سیاسی، اقتصادی و بازرگانی از جانب برزیل به ایران سفر نمودند و طرف برزیلی پیشنهادهای از جمله خرید نفت از ایران در قبال فروش کالا (تهاتر)، اعزام تعدادی از کارآموزان صنعت نفت برزیل به ایران به منظور آموزش در صنعت نفت ایران، تأسیس خط کشتیرانی مشترک بین دو کشور و عقد همکاری‌های فنی را پیشنهاد و دنبال می‌کرد. (افشاری، ۱۳۸۴: ۲۲۲-۱۷۱) در حقیقت در این دوره با توجه به جایگاه ایران در سطح منطقه و روابط ویژه با آمریکا در بسیاری موارد، طرف برزیلی خواستار همکاری با ایران و در این راه پیش‌قدم بود که این امر در مکاتبات رسمی بین دو کشور به خوبی نمایان است. با این وجود، وقوع انقلاب اسلامی در ایران منجر به تغییر نسبی این وضعیت شد.

ب) روابط ایران و برزیل پس از انقلاب اسلامی ایران

وقوع انقلاب اسلامی در ایران به سال ۱۳۵۷ ش. برای روابط دوجانبه با برزیل نیز همچون روابط ایران با دیگر کشورهای جهان، نقطه تغییر قابل توجهی بود. در این مدت برخی تحولات و رخداد‌های مهم داخلی در هر دو کشور و وقوع تحولاتی در سطوح کلان بین‌المللی و

^۱. UNEF

منطقه‌ای بازتاب و اثرات خود را بر روابط دوجانبه ایران و برزیل نیز بر جای گذاشتند. از جمله این تحولات می‌توان به تغییر کلی نظام سیاسی ایران و خروج این کشور از جرگه کشورهای بلوک غرب و حامی آمریکا، جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، پایان جنگ سرد و نظام دوقطبی و نهایتاً روی کار آمدن دولت‌های جدید در ایران و برزیل و رویکرد جدید این دولت‌ها به موضوعات منطقه‌ای و بین‌المللی اشاره نمود. با این وجود، برای توضیح بهتر فراز و فرودهای روابط دو کشور طی سه دهه گذشته می‌توان این روابط را در سه دوره زمانی و به ویژه با تأکید بر اولویت‌های سیاست خارجی دولت‌های حاکم در ایران مورد بررسی قرار داد:

- روابط ایران و برزیل در دهه اول پس از انقلاب (دوران جنگ تحمیلی عراق علیه ایران ۱۳۶۷-۱۳۵۹ ش.): دوره رکود روابط
 - دوره پس از جنگ در دولت‌های اکبر هاشمی رفسنجانی و محمد خاتمی (سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۶۸ ش.): آغاز بهبود روابط
 - دوره سوم روابط از آغاز دهه سوم انقلاب تاکنون: توسعه روابط دو کشور
- هر یک از این دوره‌ها و مهم‌ترین تحولات آنها از منظر روابط دوجانبه ایران و برزیل مورد بررسی قرار خواهد گرفت:

۱. روابط ایران و برزیل در دهه اول پس از انقلاب (جنگ تحمیلی عراق علیه ایران ۱۳۶۷-۱۳۵۹ ش.): دوران رکود روابط

در این دوره، ایران و برزیل در دو بلوک سیاسی متفاوت قرار داشتند. در برزیل حکومت نظامیان همچنان تا ۱۹۸۵ م. برقرار بود و از نظر جهت‌گیری کلان سیاسی در بلوک غرب قرار داشت. لذا مقامات این کشور دیدگاه تردیدآمیزی نسبت به انقلاب اسلامی در ایران داشتند و این نگرش همچنان در دوران جنگ تحمیلی عراق علیه ایران ادامه داشت. شرکت برزیلی پتروبراس که تا پیش از انقلاب در زمینه اکتشاف نفت در ایران فعال بود، در سال‌های پایانی رژیم سابق به دلیل بی‌ثباتی سیاسی فعالیت‌های خود را به حالت تعلیق درآورد و هنگامی که به دلیل همین بی‌ثباتی سیاسی صادرات نفت ایران به برزیل به تعویق افتاد، برزیل به واردات نفت

از عراق روی آورد. به دنبال آن، چند شرکت بزرگ برزیلی قراردادهای بزرگی با طرفهای عراقی از جمله در حوزه احداث راه آهن بغداد به امضاء رساندند. (Pereira, 2010:103)

گرچه برزیل در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران اعلام بی طرفی کرد، اما توجه به عراق برای فروش تجهیزات نظامی و حضور بیشتر در بازار عراق و حتی همکاری فنی برای ارائه فناوری هسته‌ای به آن کشور را مدنظر قرار داد و تسلیحات برزیلی فراوانی روانه عراق شد (Silva Preiss, 2011:47) و از همان سال‌های ابتدای وقوع جنگ تا پایان آن، برزیل تعداد قابل توجهی هواپیما، خودرو زرهی، رادار و انواع سلاح را به عراق فروخت. در عوض در سال‌های پس از جنگ، (سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۶۸ ش.) آن کشور تعداد ۲۵ هواپیمای سوپر توکانو مدل EMB-312 به ایران فروخت. (sipri.org & Cooper)^۱

به دنبال این شرایط، روابط ایران و برزیل رو به سردی و رکود گذاشت. البته تمام این دوره یکسان نبود و در زمان جنگ نیز در مقاطع زمانی محدود با توجه به تحریم‌های اقتصادی، برزیل به عنوان مبدأ جدید وارداتی در زمینه تأمین مایحتاج اولیه اقتصادی از جمله مواد غذایی و محصولات صنعتی مورد توجه ایران قرار گرفت. در زمان جنگ تحمیلی، متوسط مبادلات تجاری دو کشور حدود ۴۰۰ میلیون دلار بود. با این وجود، طی سال‌های میانی جنگ در پی نیاز روزافزون برزیل به نفت خام، افزایش واردات نفت ایران از سوی برزیل مشاهده می‌شود. در این دوران ارزش مبادلات تجاری دو کشور برای اولین مرتبه پس از انقلاب از مرز یک میلیارد دلار گذشت و برزیل اقدام به توسعه روابط با ایران و توسعه مبادلات تجاری نمود. هر چند این روند ادامه نیافت و برزیل به سمت عراق کشیده شد و تجهیزات نظامی به آن کشور فروخت. حتی یکی از نویسندگان برزیلی معتقد است که در هنگام جنگ، برزیل علاوه بر [عقد قرارداد] فروش هواپیماهای توکانو به ایران، هم‌زمان تجهیزات نظامی به عراق نیز صادر می‌کرد و با توجه

^۱ طبق اطلاعات موجود در بانک اطلاعاتی مؤسسه تحقیقات بین‌المللی صلح استکهلم (سیپری)، ایران در سال ۱۹۸۸ م. سفارش خرید ۲۵ فروند هواپیمای توکانوی ۳۱۲ را به برزیل داد و در سال‌های ۱۹۹۱-۱۹۸۹ م. آنها را دریافت کرد. نگاه کنید به:

http://armstrade.sipri.org/armstrade/page/trade_register.php (last access: 27 june 2014)

به دوری این کشور از منطقه درگیری نظامی، خلبانان هر دو کشور را در برزیل آموزش می‌داد. (Silva Preiss, 2011:47)

این دوره در حقیقت دوره رکود نسبی در روابط دو کشور به لحاظ سیاسی است که عمدتاً از شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی که علیه ایران جریان داشت، نشأت گرفته بود. با این حال، در این دوره سفرهایی سیاسی از ایران به برزیل به منظور گفتگو و اصلاح نگرش‌ها صورت گرفت و متقابلاً تماس‌ها و سفرهایی از سوی مقامات برزیلی به ویژه در زمینه تجاری و اقتصادی انجام پذیرفت.

۲. دوره اولیه پس از جنگ (دولت‌های پنجم تا هشتم): دوره آغاز توسعه روابط

پس از خاتمه جنگ تا حدود سال ۱۳۸۴ ش. که دوره روی کار آمدن دولت‌های اکبر هاشمی رفسنجانی و محمد خاتمی در ایران و به ترتیب معروف به دولت‌های سازندگی و اصلاحات بود، به نوعی آغاز بهبود مجدد روابط ایران و برزیل است. در این دوره واردات نفت ایران از سوی برزیل افزایش می‌یابد. در سال‌های پایانی جنگ و سه الی چهار سال اول پس از آن و در پی تثبیت هر چه بیشتر نظام جمهوری اسلامی ایران، دو کشور گام‌هایی در جهت ایجاد آهنگی موزون در روابط دوجانبه برداشتند و بازار پرجاذبه ایران برای خدمات فنی و مهندسی در دوران بازسازی، باعث جلب توجه بیشتر برزیل به ایران شد.

چند ماه پس از پایان جنگ عراق علیه ایران، برزیل تصمیم گرفت که برای تشکیل کمیسیون مشترک با ایران، یادداشت تفاهم امضاء کند. این یادداشت تفاهم در تاریخ ۴ مهر ۱۳۶۷ / ۲۶ سپتامبر ۱۹۸۸ در زمان ریاست جمهوری جوزه سارنتی به امضاء رسید. (همان) بعد از سارنتی نیز فرناندو کولور دملو، رئیس جمهور وقت برزیل که منتقد کمک‌های فنی برزیل به عراق در دوران جنگ بود، تلاش نمود تا روابط آرام و صلح‌آمیزی را با ایران که پس از جنگ در شرایط فنی و اقتصادی نامناسبی قرار داشت، برقرار کند. برگزاری سه کمیسیون مشترک بین سال‌های ۱۳۶۷-۱۳۷۱ / به ترتیب در برازیلیا - تهران - برازیلیا و توسعه روابط با محوریت همکاری‌های اقتصادی و تجاری در همین چارچوب قابل توضیح است. در ۳۰ بهمن ۱۳۷۰ نیز

یادداشت تفاهمی بین وزارتخانه‌های کشاورزی دو کشور برای فراهم نمودن زمینه توسعه همکاری‌ها به امضاء رسید.

در همین دوره، علی‌اکبر ولایتی وزیر خارجه وقت ایران در ۱۰ خرداد ۱۳۷۰ سفری رسمی به برزیل انجام داد و با فرانسیسکو رزک همتای برزیلی خود برای توسعه روابط دو کشور رایزنی کرد. به دنبال مذاکرات و پیامد این سفر، در ۱۹ تیرماه همان سال دو کشور با تبادل یادداشت رسمی لغو روادید برای دارندگان گذرنامه سیاسی و خدمت را به اجراء درآوردند. در همین سال رزک وزیر خارجه برزیل در دولت فرناندو کولور نیز به جمهوری اسلامی ایران سفر کرد که اولین سفر یک مقام عالی‌رتبه برزیلی به ایران در دوره پس از انقلاب بود.

در این سال‌ها ارزش مبادلات تجاری ایران و برزیل و به ویژه واردات برزیل از ایران افزایش یافت. ارزش متوسط مبادلات تجاری دو کشور که در سال ۱۳۶۸ ش. حدود ۶۰۷ میلیون دلار بود، در سال‌های ۱۳۷۲-۱۳۷۰ ش. به بیش از ۱/۳ میلیارد دلار رسید که در روابط دو کشور پس از انقلاب تا آن زمان بی‌سابقه بود. افزون بر آن، در همین سه سال در پی صادرات نفت ایران به برزیل، تراز تعاملات تجاری دو کشور بیش از ۵۰۰ میلیون دلار به نفع کشورمان بود. البته در سال ۱۳۷۳ ش. باتوجه به اینکه برزیل از یک سو به اهداف اقتصادی خود در ایران دست نیافت و وعده‌ها برای مشارکت آن کشور در پروژه‌های بازسازی محقق نشد و از سوی دیگر با افزایش فشارهای بین‌المللی بر ایران، روابط مجدداً رو به سردی گذاشت و صادرات ایران به برزیل به ۱/۳ رسید و حجم مبادلات تجاری دو کشور به ۵۵۲ میلیون دلار کاهش یافت. همچنین با قطع واردات نفت برزیل از ایران، موازنه تجاری دو کشور به مرور به نفع برزیل تغییر کرد، به نحوی که از سال ۱۳۷۷ ش. به بعد همواره این موازنه به نفع برزیل بوده است. (desenvolvimento.gov.br: DEAEEX)

کاهش اعتماد، ارتباط و رایزنی دوجانبه و عمیق نبودن درک مواضع دو کشور، رکود مجدد روابط برای مدت چند سال را در پی داشت. لوئیس فیلیپ لامپریبا وزیر خارجه وقت برزیل در دوران ریاست جمهوری فرناندو هنریک کاردوزو^۱ از مواضع محمد خاتمی رئیس

^۱ عضو حزب راست‌گرای سوسیال دموکرات برزیل (PSDB)

جمهور وقت ایران در مورد خاورمیانه استقبال نمود که در رسانه‌های ایرانی نیز مورد توجه قرار گرفت. (Preiss, 2011:48) همچنین برزیل از نام‌گذاری سال ۲۰۰۱ م. به عنوان سال گفتگوی تمدن‌ها که به پیشنهاد ایران صورت گرفته بود، استقبال کرد و متعاقب آن پس از تصویب پیشنهاد ایده ائتلاف تمدن‌ها^۱ در مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۲۰۰۵ م. چند سمینار در این زمینه در برزیل برگزار شد و این کشور فعالانه در سمینارهای مشابه در دیگر کشورها نیز شرکت کرد.

همچنین دو کشور سازوکار گفتگوهای سیاسی در سطح معاونین وزرای خارجه را که با سفر کانابراوا معاون وزیر خارجه برزیل به تهران در ۲۲ خرداد ۱۳۷۹ آغاز شد، فعالانه دنبال نمودند و تاکنون در ۸ نوبت و به صورت دوره‌ای در پایتخت‌های دو کشور برگزار شده است. شرکت نفت برزیل (پتروبراس) از سال ۱۳۸۲ ش. مجوز فعالیت برای اکتشاف نفت در ایران را کسب کرد و در سال ۱۳۸۳ ش. نیز دو کشور یادداشت تفاهم برای توسعه روابط تجاری به امضاء رساندند. با توسعه روابط تجاری، ایران به بزرگ‌ترین شریک تجاری برزیل در خاورمیانه تبدیل شده است که ۲۰٪ صادرات به کشورهای این منطقه را جذب می‌کند.

۳. روابط ایران و برزیل در دهه سوم پس از انقلاب تاکنون: دوره توسعه روابط دو کشور

بازار قابل توجه ایران برای صادرات برزیل باعث شد که در نگرش کلی برزیل به منظور همکاری با ایران، حتی با تغییر دولت در ایران در سال ۱۳۸۴ ش. که با دولت پیشین دارای رویکردهای متفاوتی بود، تغییری ایجاد نشود.

در این دوره به دنبال توسعه روابط دو کشور که در سال‌های قبل شروع شده بود، با وقوع تحولاتی در سطح منطقه‌ای و داخلی در هر دو کشور، توسعه بیش از پیش روابط مشاهده

^۱. Alliance of Civilizations

این ایده به پیشنهاد رئیس‌جمهور اسپانیا در سال ۲۰۰۵ م. و با هدف مقابله با افراط‌گرایی، رفع پیشداوری و سوءبرداشت‌ها و به ویژه گفتگوی بین اسلام و غرب به تصویب رسید و با تشکیل «گروه دوستان ائتلاف تمدن‌ها»، هر ساله در یکی از کشورهای سمیناری در این رابطه برگزار می‌شود. در سال ۲۰۰۷ م. سمیناری بین‌المللی در همین زمینه و در می ۲۰۱۰ م. نیز سومین مجمع ائتلاف تمدن‌ها در شهر ریودوژانیروی برزیل برگزار شد. برای اطلاعات بیشتر در این خصوص نگاه کنید به:

http://en.wikipedia.org/wiki/Alliance_of_Civilizations (last access on 16 September 2013)

می‌شود. از مهم‌ترین مشخصات دوره جدید می‌توان به مواردی همچون تحرک قابل توجه در روابط سیاسی و اقتصادی، افزایش حجم تعاملات تجاری، برگزاری جلسات رایزنی سیاسی میان معاونین وزرای خارجه و تناوب تبادل هیأت‌های عالی‌رتبه میان دو کشور اشاره نمود.

در این مقطع، دوره جدیدی از تحرک سیاسی در روابط از جمله از سوی برزیل با هدف تلطیف و توازن سیاسی و به منظور ارتباطات با مقامات دولتی و بخش خصوصی و نیز ارتباطات فرهنگی در جهت اعتمادسازی و تفاهم دیده می‌شود. به عنوان مثال در هنگام طرح قطعنامه‌های حقوق بشری علیه کشورمان در مجمع عمومی سازمان ملل که از سال ۱۳۸۲ ش. به بعد هر ساله از سوی کانادا و دیگر کشورهای غربی مطرح شده است، به جز سال اول، برزیل هر سال به این قطعنامه‌ها رأی ممتنع داده است. (un.org) شیب تند توسعه روابط دو کشور در این مدت از نظر تبادل هیأت‌های عالی‌رتبه سیاسی و اقتصادی و همچنین امضای اسناد و توافقنامه‌های گوناگون در قیاس با دوره‌های پیشین بی‌سابقه بوده است. در سال ۱۳۸۷ ش. وزرای خارجه دو کشور در حاشیه اجلاس سالیانه مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک با یکدیگر ملاقات کردند و سپس سلسو آموریم وزیر خارجه برزیل در ۱۲ آبان ۱۳۸۷ / ۲ نوامبر ۲۰۰۸ به تهران آمد و متقابلاً منوچهر متکی وزیر خارجه ایران در ۶-۵ فروردین ۱۳۸۸ / ۲۶-۲۵ مارس ۲۰۰۹ به برزیل سفر کرد که این رفت و آمد وزرای خارجه پس از حدود ۱۶ سال صورت می‌گرفت. سفر قبلی وزیر خارجه ایران به برزیل و بالعکس در سال ۱۳۷۰ ش. / ۱۹۹۱ م. انجام شده بود. علاوه بر ملاقات وزرای خارجه دو کشور در تهران، برازیلیا و یا در مقر سازمان‌های بین‌المللی، رزنده وزیر علوم و فناوری برزیل در اسفند ۱۳۸۸ و میگل جورج وزیر توسعه و صنایع و تجارت آن کشور نیز در فروردین ۱۳۸۹ به تهران سفر کردند. افزون بر این، شاهد سفر چندین هیأت ایرانی در سطوح مختلف به برزیل بوده‌ایم.

بدون شک ملاقات رؤسای جمهوری دو کشور در این سال‌ها از تحولات مهم و نقطه عطفی در تاریخ روابط ایران و برزیل بوده است. رؤسای جمهوری دو کشور در اول مهر ۱۳۸۸ در حاشیه اجلاس سالیانه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک با یکدیگر ملاقات نمودند. رئیس‌جمهور ایران در ۲ آذر ۱۳۸۸ / ۲۳ نوامبر ۲۰۰۹ در رأس هیأتی عالی‌رتبه از مقامات

رسمی و بخش خصوصی به برزیل سفر کرد که برای اولین مرتبه در دوره بعد از انقلاب صورت می‌گرفت^۱ و در جریان این سفر ۱۳ سند همکاری در زمینه‌های مختلف به امضاء رسید. متقابلاً لولا داسیلوا رئیس‌جمهور برزیل در ۲۷-۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۹ / ۱۷-۱۵ می ۲۰۱۰ به تهران سفر کرد که طی این سفر نیز ۱۴ سند همکاری بین دو کشور به امضاء رسید. به‌طور کلی از سال ۱۳۳۶ ش. که توافقنامه فرهنگی بین دو کشور به امضاء رسید تا سال ۱۳۹۰ ش. در مجموع ۵۳ سند در قالب موافقتنامه، یادداشت تفاهم و موارد دیگر در حوزه‌های اقتصادی، تجاری، بانکی و فرهنگی به امضاء رسیده است. اسناد امضاء شده طی سفر رؤسای‌جمهور دو کشور تقریباً معادل تمام اسناد امضاء شده در تاریخ روابط ایران و برزیل بوده است.

طی سفر لولا داسیلوا به تهران، وی در اجلاس گروه ۱۵ در تهران شرکت کرد و «بیانیه تاریخی تهران» در مورد حل‌وفصل مسئله هسته‌ای ایران نیز با مشارکت سه کشور ایران، برزیل و ترکیه به امضاء رسید. هر چند این توافق که از سوی هر سه کشور (ایران، برزیل و ترکیه) به عنوان توافقی تاریخی از آن یاد می‌شد، بنا به دلایل سیاسی از سوی آمریکا و قدرت‌های غرب رد شد و در نتیجه تلاش‌های لولا در این خصوص به ثمر ننشست.

همگام با توسعه روابط و افزایش تبادل هیأت‌های سیاسی و اقتصادی در این دوره، افزایش قابل توجه حجم تعاملات تجاری بین دو کشور مشاهده می‌شود. به نحوی که بین سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۹۰ ش. / ۲۰۱۲-۲۰۰۲ م. حجم تجارت دو کشور از ۵۰۰ میلیون دلار برای اولین مرتبه به بیش از ۲/۲ میلیارد دلار رسید. برزیل به تنهایی بیش از نیمی از کل تجارت ایران با تمام کشورهای آمریکای لاتین را در اختیار دارد (bernama.com)^۲ و بخش زیادی از صادرات برزیل به خاورمیانه نیز به ایران صورت می‌گیرد. به عنوان مثال در سال ۲۰۰۷ صادرات برزیل به ایران حدود ۲۹٪ کل صادرات این کشور به کل منطقه خاورمیانه بوده

^۱ پیش از انقلاب در ۱۵ اردیبهشت ۱۳۴۴، محمدرضا شاه پهلوی به برزیل سفر کرده بود.

^۲ در سال ۲۰۱۲ م. حجم کل تجارت ایران با تمام کشورهای آمریکای لاتین حدود ۴ میلیارد دلار بود که از این بین برزیل با ۲/۲، آرژانتین با ۱/۳ میلیارد دلار و مکزیک با حدود ۱۳۴ میلیون دلار شرکای اصلی تجاری ایران محسوب می‌شوند. نگاه کنید به:

Iran's Trade With Latin America Remains Stable At US\$4 Billion In 2012, available at: <http://www.bernama.com.my/bernama/v7/wn/newsworld.php?id=975689> (last access: 06 Sep. 2013)

است. در این سال‌ها مهم‌ترین اقلام صادراتی برزیل به ایران را محصولات کشاورزی شامل گوشت (۳۸٪)، نیشکر (۳۲٪)، ذرت (۱۳٪)، سویا و مشتقات آن (۹٪) و گوشت مرغ (۳٪) تشکیل می‌دادند. اقلام اصلی صادرات ایران نیز محصولات پتروشیمی همچون پروپان و بوتان مایع، پلی اتیلن، خشکبار و فرش بوده است (Mortean, 2012:56). البته شایان ذکر است که در این تعاملات، توازن تجاری شدیداً به نفع برزیل است. به عنوان مثال در سال ۲۰۱۲ م. حجم مبادلات دو کشور دو میلیارد و ۲۰۷ میلیون دلار بود که صادرات ایران به برزیل کمتر از ۲۴ میلیون دلار بوده است.

با این وجود، تعاملات ایران و برزیل بیشتر به صورت روابط تجاری بود و به همکاری‌های اقتصادی پایدارتر و یا سرمایه‌گذاری در دو کشور منجر نشده است. گرچه آماری واقعی مبنی بر انجام سرمایه‌گذاری قابل توجه از سوی ایران در برزیل و یا بالعکس وجود ندارد، اما بخش خصوصی ایران برای خرید معدن، زمین و سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی برزیل علاقه‌مند است. از معدود موارد آغاز نوعی همکاری اقتصادی بین شرکت‌های خصوصی دو کشور می‌توان به مونتاژ خودرو گل توسط شاخه برزیلی شرکت فولکس واگن از طریق شرکت کرمان خودرو بین سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۰۳ م. اشاره کرد همچنین چند شرکت خصوصی دیگر برزیلی برای حضور و فعالیت در بازار ایران^۱ و چند ایرانی نیز به ایجاد مراکز فروش و دیگر صنایع دستی ایرانی در برزیل اقدام نموده‌اند.

علل و زمینه‌های توسعه روابط دو کشور

طی دو دهه اخیر به‌ویژه پس از بازگشت برزیل به دموکراسی در سال ۱۹۸۵ م. این کشور به مرور با رفع مشکلات گوناگون سیاسی، اقتصادی و اجتماعی از ثبات سیاسی و رشد اقتصادی خوبی برخوردار شده است و همین امر باعث ارتقای جایگاه برزیل در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی گردیده است و مقامات برزیلی نیز تلاش نموده‌اند که نقش خود را در عرصه‌های

^۱ در این زمینه می‌توان به افتتاح شعبه‌های یکی از برندهای معروف لوزم خانگی برزیلی به نام ترامونتینا و برند بستنی یوگوبری اشاره نمود.

سیاسی و اقتصادی جهانی و منطقه‌ای افزایش داده و به سطح یک قدرت نوظهور جهانی ارتقاء یابند. بسیاری از سیاست‌های این کشور طی دهه گذشته در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی همچون تلاش برای ایفای نقش بیشتر در مسائل خاورمیانه و تلاش برای اصلاح نظام بین‌الملل موجب فعالیت‌های بیشتری از سوی برزیل به منظور نزدیکی به بازیگران اصلی در صحنه مذاکرات جهانی و منطقه‌ای و حضور نسبتاً فعال در مسائل مهم بین‌المللی شده است. رویدادهای برجسته در سیاست خارجی برزیل در دولت لولا داسیلوا رئیس‌جمهور سابق برزیل و ایجاد تحرک در مناسبات دوجانبه با جمهوری اسلامی ایران نیز در همین راستا قابل تحلیل است. در این مقطع، اهمیت ایران در تعاملات منطقه‌ای برزیل با خاورمیانه بیشتر شده است. این توسعه روابط نتیجه به هم رسیدن چند موضوع مختلف از سوی ایران و برزیل بوده است که برخی از آنها را می‌توان به شرح ذیل مورد اشاره قرار داد:

- کاهش نسبی سطح روابط جمهوری اسلامی ایران با غرب و اوج‌گیری تنش در مورد مسئله هسته‌ای.

- تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی و سیاسی غرب بر جمهوری اسلامی ایران و نیاز به بازارهای جدید برای واردات و صادرات و شرکای جدید.

- نگاه جدید سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در توسعه روابط با کشورهای آمریکای لاتین.

- پایان جنگ سرد و کاهش توجه آمریکا به آمریکای لاتین در نتیجه پایان رقابت‌های ایدئولوژیک ناشی از آن و توجه بیشتر آمریکا به مناطقی همچون خاورمیانه به ویژه پس از حملات ۱۱ سپتامبر.

- روی کار آمدن موجی از دولت‌های چپ‌گرا در آمریکای لاتین و تضعیف نسبی جایگاه آمریکا در این منطقه.

- ثبات نسبی سیاسی و رشد اقتصادی برزیل و تلاش این کشور برای تبدیل این ظرفیت به قدرت سیاسی فرامنطقه‌ای و وارد شدن به مسائل مهم بین‌المللی.

- علاقه خاص لولا داسیلوا به نقش آفرینی در سیاست خارجی و امور بین‌المللی و تلاش برای تبدیل این کشور به سخنگوی کشورهای جنوب، در حال توسعه و در سطح منطقه‌ای. (Gonçalves, 2012:295-6)

- پیگیری سیاست توسعه روابط جنوب - جنوب توسط برزیل.^۱
روابط سیاسی دو کشور در نتیجه همین هم‌پوشانی انگیزه‌ها، منافع و تحولات در مدت نسبتاً کوتاهی توسعه بسیار تند و سریعی را شاهد بود و روابط و تعاملات در عرصه‌های مختلف تجاری، اقتصادی و سیاسی گسترش یافت. البته اوج‌گیری توسعه روابط دوجانبه به‌طور خاص در سه سال پایانی - و شاید مناسب‌تر باشد که گفته شود در سال‌های ششم و هفتم - دولت دوم لولا بوده است. با پایان دور دوم ریاست جمهوری لولا و برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در برزیل آبان ۱۳۸۹ / اکتبر ۲۰۱۰ جیلما روسف نامزد حزب کارگر (حزب آقای لولا و با حمایت وی) به پیروزی رسید و از ۱۱ دی ۱۳۸۹ / ۱ ژانویه ۲۰۱۱ ریاست جمهوری را در اختیار گرفت.

ج) چشم‌انداز همکاری‌های ایران و برزیل: هم‌تکمیلی‌ها

جمهوری اسلامی ایران از برجسته‌ترین کشورهای منطقه خاورمیانه و آسیای غربی به لحاظ اقتصاد، وسعت، جمعیت و بسیاری شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی محسوب می‌شود. از سوی دیگر برزیل نیز به عنوان پنجمین کشور پرجمعیت، ششمین اقتصاد جهان و وسیع‌ترین کشور آمریکای لاتین با در اختیار داشتن حدود ۴۰٪ کل وسعت منطقه آمریکای جنوبی جایگاه بسیار مهم در این منطقه دارد. بر این اساس، با توجه به جایگاه دو کشور و ظرفیت‌های قابل توجه توسعه داخلی می‌توان حوزه‌های همکاری ایران و برزیل را به نحوی که منافع متقابل هر دو طرف را تأمین نماید، در سه سطح بین‌المللی، منطقه‌ای و دوجانبه مورد بررسی قرار داد:

^۱ لازم به ذکر است که سیاست همکاری‌های جنوب - جنوب در تاریخ دیپلماسی برزیل سابقه طولانی‌تری دارد. این کشور در سال ۱۹۶۱ م. «سیاست خارجی مستقل» را اعلام نمود که حتی در دوران حکومت نظامیان نیز به ویژه در مورد خاورمیانه و آفریقا ادامه یافت. (Silva Preiss, 50)

۱. حوزه‌های همکاری در سطح دوجانبه

بدون شک، مهم‌ترین زمینه همکاری دو کشور عرصه دوجانبه است. وجود بازار بزرگ ۷۵ میلیون نفری، اقتصاد حدوداً یک تریلیون دلاری،^۱ طبقه متوسط آموزش‌دیده رو به رشد و توانمندی‌های علمی و فناوری به ویژه در علوم و فناوری‌های نوین در ایران یکی از عرصه‌های قابل توجه همکاری دو کشور است.

در حال حاضر برزیل برخی اقلام مصرفی مورد نیاز ایران از جمله گوشت گوساله، مرغ، شکر، سویا و روغن سویا را تأمین می‌کند و ایران بعد از روسیه به دومین واردکننده بزرگ گوشت و از بزرگ‌ترین خریداران ذرت از برزیل تبدیل شده است. در نتیجه توسعه تعاملات و روابط در سال‌های اخیر، حجم مبادلات تجاری دو کشور به بیش از ۲ میلیارد دلار رسیده است که البته با توجه به حجم اقتصادی و پتانسیل‌های موجود رقم ناچیزی است و در صورت وجود اراده سیاسی و اجرای توافقات، این رقم می‌تواند در میان‌مدت، بیشتر افزایش یابد.

افزون بر عرصه تجاری، همکاری‌های اقتصادی از جمله حوزه‌هایی است که می‌تواند بین دو کشور صورت گیرد. برزیل به عنوان یکی از اقتصادهای نوظهور جهانی، فرصت‌های بسیاری را برای سرمایه‌گذاری در حوزه‌های مختلف از جمله کشاورزی، صنعت و معدن فراهم می‌کند. امکان خرید زمین‌های کشاورزی وسیع از دیگر حوزه‌های قابل توجه است و کشورهایمانند چین حضور بسیار فعالی در این عرصه دارند. متقابلاً در ایران نیز به عنوان کشوری بزرگ، پرجمعیت و طبقه متوسط رو به افزایش، فرصت‌های قابل توجهی برای بخش صنعتی و سرمایه‌گذاران برزیلی وجود دارد.

برزیل در زمینه تولید هواپیمای تجاری و نظامی سبک «سوپرتوکانو» پیشرفته است و شرکت برزیلی «امبرائر»^۲ چهارمین تولیدکننده هواپیما در جهان - پس از بوئینگ، ایرباس و بومباردیر کانادا - محسوب می‌شود. بازار بزرگ ۲۰۰ میلیون نفری برزیل به ویژه در پی رشد سریع و افزایش طبقه متوسط می‌تواند جایگاه خوبی برای صادرات کشورمان باشد که تاکنون به

^۱ طبق گزارش صندوق بین‌المللی پول، تولید ناخالص داخلی ایران بر مبنای برابری قدرت خرید، در سال ۲۰۱۱ م. به بیش از یک تریلیون دلار رسید؛ هر چند در سال‌های بعد این رقم، روندی نزولی داشته است.

^۲ Embraer

دلیل دوری و یا عدم شناخت مناسب، اقدام سازمان یافته مؤثری انجام نشده است. همچنین بازار این کشور برای تولیدات پتروشیمی ایران و کود شیمیایی نیز مناسب به نظر می‌رسد. افزون بر عرصه اقتصاد و تجارت، دو کشور می‌توانند همکاری‌های سودمندی را در زمینه‌های علمی و فناوری داشته باشند. جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اخیر به‌رغم تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی، دستاوردهای خوبی در علوم و فناوری‌های نوین همچون نانو و بیو تکنولوژی، بیوپزشکی، هوا و فضا و سلول‌های بنیادی داشته است که با توجه به هم‌پوشانی این عرصه‌ها با علاقه‌مندی و اولویت‌های دولت برزیل، دانشمندان دو کشور می‌توانند با یکدیگر همکاری داشته باشند. متقابلاً برزیل نیز در برخی از این حوزه‌ها و در عرصه کشاورزی تحت پوشش مؤسسه تحقیقات کشاورزی برزیل "امبراپا" دستاوردهای چشمگیری داشته است. همچنین تقویت حوزه آموزش و برنامه "دانش بدون مرز" دولت برزیل برای اعزام یکصد هزار دانشجو به خارج و جذب استاد و دانشجو در رشته‌های خاص در برزیل از دیگر موضوعاتی است که می‌تواند برای همکاری دو کشور در برخی رشته‌های دارای مزیت نسبی مورد توجه قرار گیرد. کما اینکه در حال حاضر نیز جریان ورود دانشجویان ایرانی برای ادامه تحصیل در دانشگاه‌های معتبر برزیل روندی صعودی را طی می‌کند.

۲. حوزه‌های همکاری دو کشور در سطح بین‌الملل

پس از پایان جنگ سرد، ایران و برزیل هر دو مخالف یک‌جانبه‌گرایی و مدافع چندجانبه‌گرایی در نظام بین‌الملل شدند و همواره بر اصلاح ساختارهای قدیمی بین‌المللی تأکید دارند. لذا دو کشور می‌توانند برای اتخاذ مواضع مشترک و ارتقای جایگاه خود در ساختارهای جدید همکاری داشته باشند. در همین راستا، جمهوری اسلامی ایران رسماً از عضویت دائم برزیل در شورای امنیت سازمان ملل حمایت کرده است. مخالفت با سلاح‌های کشتار جمعی، تأکید بر توازن در خلع سلاح هسته‌ای و عدم اشاعه و استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای از دیگر نقاط اشتراک دو کشور است. افزون بر این، هر دو کشور در نهادهای بین‌المللی مختلف حضوری فعال داشته و برای تقویت آن تلاش می‌کنند. بر این اساس، حمایت از مواضع یکدیگر و حمایت متقابل در این نهادها می‌تواند مدنظر قرار گیرد، کما اینکه تاکنون

نیز در موارد گوناگونی حمایت ایران از نامزدهای برزیل در نهادهای بین‌المللی و متقابلاً حمایت برزیل از حق ایران برای استفاده از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای و نیز مخالفت با قطعنامه‌های ضدایرانی و گاهی مخالفت با تحریم‌های یک‌جانبه علیه ایران نشان داده شده است.

۳. حوزه‌های همکاری در سطح منطقه‌ای

در سال‌های اخیر، توسعه حضور رسمی و شفاف ایران در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و تجاری در آمریکای لاتین از جمله برنامه‌های در دستور کار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بوده است. گرچه در این مدت بیشتر شاهد توسعه روابط سیاسی با کشورهای چپ بولیواری منطقه مانند گروه آلبا^۱ از جمله ونزوئلا، کوبا، بولیوی و اکوادور بوده‌ایم و توسعه روابط با کشورهای میانه و یا راست‌گرا در منطقه به جز برخی مقاطع کوتاه به سطح گروه اول نرسیده است. اما با عنایت به جایگاه مهم برزیل در آمریکای جنوبی، دو کشور می‌توانند در این حیطه با یکدیگر همکاری داشته باشند. برزیل نیز بنا به دلایل مختلف اقتصادی، تجاری و سیاسی و همچنین حضور بیش از ۱۰ میلیون عرب‌تبار در این کشور که اغلب با کشورهای عرب منطقه روابط تجاری و اقتصادی دارند، برای تقویت حضور خود در خاورمیانه تلاش داشته است. در این میان، با توجه به نقش غیرقابل انکار ایران در این منطقه، دو کشور می‌توانند برای توسعه روابط و یا کاهش تنش‌ها در خاورمیانه همکاری و رایزنی‌های سودمندی با یکدیگر داشته باشند.

علاوه بر این، برزیل در سال‌های اخیر برای توسعه حضور خود در آسیای مرکزی و قفقاز نیز اقداماتی به عمل آورده است. در حال حاضر در قزاقستان سفارت دارد و احتمالاً به زودی در ازبکستان و افغانستان نیز سفارت دایر خواهد نمود^۲ و در پی توسعه روابط با دیگر کشورهای این منطقه است. با توجه به اینکه اکثر کشورهای منطقه خاورمیانه محصور در خشکی هستند، کشور ایران با در اختیار داشتن جایگاه جغرافیایی استراتژیک و زیرساخت‌های مناسب ریلی و

^۱ آلبا (ALBA Alianza Bolivariana para as Américas): «اتحاد بولیواری ملت‌های آمریکای لاتین» یا آلبا، سازمان همکاری بین‌المللی مبتنی بر اندیشه همگرایی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشورهای آمریکای لاتین و کارائیب و شامل ۸ کشور اکوادور، آنتیگوا و باربادو، بولیوی، کوبا، دومینیکا، نیکاراگوئه، سنت وینسنت و گرینیداد و ونزوئلا است. توافق اولیه ایجاد این سازمان در سال ۲۰۰۴ م. بین کوبا و ونزوئلا امضاء شد و بعدها ۷ کشور دیگر به آن پیوستند.

^۲ در حال حاضر همه کشورهای همجوار ایران (جز ارمنستان و ترکمنستان) در برزیل سفارتخانه دارند.

جاده‌ای می‌تواند از طریق خلیج فارس مسیر اقتصادی مناسبی را جهت ترانزیت کالا به شمال در اختیار تجار برزیلی قرار دهد.

د) چالش‌های روابط دوجانبه ایران و برزیل

آشکار است که وجود عرصه‌های مختلف همکاری و هم‌تکمیلی بین دو کشور به معنی وجود عدم اختلاف نظر نیست. همچنان که هیچ دو کشوری حتی اگر شریک راهبردی یکدیگر باشند، نیز منافع‌شان در همه حیطه‌ها هم‌پوشانی صددرصد ندارد. ایران و برزیل هم به عنوان کشورهایی مستقل ممکن است در زمینه موضوعات منطقه‌ای و بین‌المللی از جمله تحولات خاورمیانه، مسئله فلسطین و حقوق بشر مواضع کاملاً مشابهی نداشته باشند، اما بدون شک موارد اشتراک نظر دو کشور بسیار بیشتر از افتراق نظر آنهاست. بنا بر این آنچه اهمیت دارد، این است که بتوان با شناخت و اتکاء بر منافع و مواضع مشترک برای کاهش اختلاف‌نظرها تلاش کرد و به گسترش روابط مبادرت نمود.

این نکته را باید خاطرنشان کرد که با وجود برخی اختلاف‌نظرها بین دو کشور و به‌رغم تحولات مثبت صورت گرفته در سال‌های اخیر، روابط دوجانبه ایران و برزیل با چالش‌هایی در قالب موجودیت یا عدم موجودیت برخی شاخصه‌ها در سطح دوجانبه و درک متقابل از مواضع و جایگاه دو کشور مواجه است که برای تضمین روابطی پایدار و درازمدت باید مدنظر قرار گیرند. مهم‌ترین این چالش‌ها را می‌توان به شرح ذیل مورد اشاره قرار داد:

چالش سیاسی: اولین چالشی که می‌توان در مسیر نهادینه نمودن روابط دو کشور برشمرد، چالش سیاسی و فقدان اجماع داخلی در دو کشور در زمینه هم‌تکمیلی‌ها و منافع متقابل است. اگر چه حوزه‌های فراوانی در سطوح بین‌المللی، منطقه‌ای و دوجانبه وجود دارند که در صورت همکاری ایران و برزیل، منافع ملی متقابل دو کشور را تأمین خواهند کرد، اما تا زمانی که مقامات عالی‌رتبه، میانی و حتی سطوح کارشناسی و نخبگان دو کشور نسبت به سودمندی متقابل این روابط اقعان نشوند، نمی‌توان حمایت جدی آنها از توسعه روابط را انتظار داشت. در صورت عدم ایجاد اجماع داخلی و درک متقابل از وجود هم‌تکمیلی‌ها و منافع متقابل

در دو کشور، هر چند ممکن است روابط در دوره‌ای و در نتیجه تحولات موقت داخلی و خارجی و یا حضور مقامات و افراد علاقه‌مند توسعه یابد، اما این روند نهادینه نبوده و با تغییر افراد، مجدداً به همان روال پیشین باز خواهد گشت.

نکته دیگر شایسته ذکر در این زمینه ضرورت تحرک بخشیدن به رفت‌وآمدهای سیاسی مقامات عالی‌رتبه بین دو کشور است. این رفت‌وآمدها افزون بر اینکه بیان‌کننده اراده سیاسی طرفین به منظور توسعه روابط است، باعث دلگرمی و تشویق بخش‌های خصوصی برای توسعه همکاری‌ها با هم‌تایان خود و همچنین ارائه شناخت از ظرفیت‌های یکدیگر می‌شود و می‌تواند برخی موانع موجود را نیز رفع نماید.

چالش اقتصادی: دومین چالش جدی در مسیر پایدار نمودن روابط ایران و برزیل چالش اقتصادی است. این امر از دو زاویه قابل بررسی است. یکی عدم توازن تجاری و دیگری عدم تنوع رابطه اقتصادی و تجاری دو کشور. اگر چه در حال حاضر تعاملات تجاری ایران و برزیل به بیش از ۲ میلیارد دلار رسیده است، اما این امر ناشی از همکاری اقتصادی دوجانبه واقعی نیست. بلکه از یک سو این مبادلات، صرفاً صادرات کالاها و مواد اولیه و نه کالاهای ساخته شده است و از سوی دیگر نیز عدم توازن شدیدی در این مبادلات وجود دارد. در حقیقت از سال ۲۰۰۲ م. به بعد، توازن تجاری دو کشور همواره به نفع برزیل بوده است، به نحوی که عدم توازن موازنه تجاری ایران و برزیل از سال ۲۰۰۴ م. به طور متوسط به بیش از ۱ میلیارد دلار و از سال ۲۰۱۰ م. به بعد به بیش از ۲ میلیارد دلار رسیده است. به عنوان مثال از ۲ میلیارد و ۲۰۷ میلیون دلار مبادلات دو کشور در سال ۲۰۱۲ م. صادرات ایران به برزیل کمتر از ۲۴ میلیون دلار بوده است. بیشتر حجم صادرات برزیل به ایران نیز محدود به چند قلم محصولات کشاورزی است. این در حالی است که ایران سالیانه بیش از ۵۰ میلیارد دلار کالا از انواع مختلف را وارد می‌کند و فهرست متنوعی از کالاهای صادراتی دارد. لذا چنانچه دو کشور بخواهند روابطی بادوام و نهادینه داشته باشند، چاره‌ای جز متنوع‌سازی و متوازن‌سازی این تعاملات وجود ندارد. در غیر این صورت با کوچک‌ترین تحولی، روابط آنها دچار فراز و فرودهای ناگهانی می‌شود. برزیل اگر چه تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران را پذیرفته است و اجرا

می‌کند، اما اعلام کرده است که موافق تحریم‌های یک‌جانبه نیست و آن را نمی‌پذیرد. با این وجود تبلیغات گسترده در مورد تحریم‌ها باعث شده است که تجار برزیلی حتی در حوزه‌هایی که شامل تحریم‌ها نمی‌شود نیز با احتیاط بیش از حد اقدام کنند که خود مانعی جدی برای توسعه روابط است. این در صورتی است که حتی خرید و واردات برخی اقلام صادراتی برزیل به ایران از طریق کشورهای ثالث و حتی اروپایی صورت می‌پذیرد که خود باعث افزایش هزینه‌ها می‌شود.

نکته شایان توجه دیگر اینکه در برزیل، تجارت و اقتصاد بیشتر در اختیار بخش خصوصی و شرکت‌های چندملیتی است و دولت دخالت گسترده‌ای در این حوزه‌ها ندارد. لذا برای توسعه همکاری‌های اقتصادی و تجاری باید به جای ورود دولت به این عرصه‌ها، بیشتر در زمینه برقراری ارتباط بین بخش خصوصی دو کشور از طریق اتاق‌های بازرگانی و مراکز مشابه تلاش شود.

فرجام سخن اینکه ایران و برزیل هر دو به عنوان کشورهایی در حال توسعه، سرمایه‌پذیر محسوب می‌شوند و برای کمک به روند توسعه داخلی خود نیازمند جذب سرمایه‌های خارجی هستند. با این وجود، بخش خصوصی دو کشور می‌توانند در حوزه‌های مورد علاقه در کشور دیگری به صورت مشارکتی سرمایه‌گذاری کنند. البته بدیهی است که توسعه روابط سیاسی بین دولت‌ها و تبادل هیأت‌های عالی‌رتبه می‌تواند بیانگر وجود اراده سیاسی و اعتماد بخش برای بخش خصوصی باشد.

فقدان شناخت: ایران و برزیل در دو قاره جداگانه و با بیش از ۱۰ هزار کیلومتر فاصله از یکدیگر قرار گرفته‌اند. به رغم گسترش ارتباط مقامات سیاسی عالی‌رتبه در سال‌های اخیر، اما مردم دو کشور اطلاعات و شناخت کافی از تاریخ، فرهنگ، هنر و سابقه کشور مقابل ندارند. اغلب در ایران، برزیل را از دریچه فوتبال، آمازون و مواردی اینگونه می‌شناسند و نگاه غالب در جامعه برزیل نسبت به ایران کنونی نیز از کانال اطلاعات جانبدارانه رسانه‌های غربی است. به نحوی که حتی در بین قشر دانشگاهی نیز معمولاً اطلاعات صحیحی از تحولات اقتصادی و اجتماعی ایران معاصر وجود ندارد. می‌توان از طریق برگزاری همایش‌ها و مناسبت‌های فرهنگی، اقدامات رسانه‌ای، انتشار و ترجمه کتب و مقالات، همکاری‌های دانشگاهی و پخش فیلم تا

حدی به ارائه شناخت بهتر کمک کرد. گسترش جهانگردی نیز می‌تواند از دیگر اقدامات در این مسیر باشد. هر چند در طی دهه اخیر حجم بازدیدهای گردشگری بین دو کشور افزایش یافته است و از سالیانه حدود ۳۰۰ نفر در یک دهه قبل به بیش از ۳۰۰۰ نفر در سال ۲۰۱۱ م. رسیده است. (Mortean, 2012:72) با این وجود، این رقم بسیار اندک است.

نتیجه‌گیری

با عنایت به ظرفیت‌ها و هم‌تکمیلی‌های موجود برای همکاری ایران و برزیل در سطوح مختلف دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی که برخی از آنها در سطور فوق مورد اشاره قرار گرفت، از یک سو و آهنگ رو به رشد جایگاه دو کشور در ابعاد داخلی و بین‌المللی از سوی دیگر می‌توان چشم‌انداز روشنی برای آینده روابط دو کشور متصور بود. با توجه به روند رویدادهای سال‌های اخیر و پیش‌بینی تحولات سیاسی و اقتصادی جهانی در دهه‌های آتی که حکایت از ارتقای جایگاه دو کشور دارد، توسعه روابط می‌تواند تأمین‌کننده منافع طرفین باشد.

سخن پایانی اینکه توسعه همه‌جانبه روابط، جاده‌ای دو طرفه و مبتنی بر خواست و اراده سیاسی هر دو کشور است. در صورت وجود این اراده، تحکیم و نهادینه کردن روابط، نیازمند نگاهی درازمدت و فراتر از موضوعات مقطعی و همچنین اقدام اجرایی برای مقابله با چالش‌های موجود است. رسیدن به روابط پایدار نیازمند شناخت صحیح از ظرفیت‌های طرفین و ایجاد اجماع نظر بین نخبگان دو کشور ایران و برزیل مبنی بر سودمند بودن توسعه روابط برای تأمین منافع ملی هر دو طرف است.

منابع و مأخذ

افشاری، معصومه (۱۳۸۴) «نگاهی به روابط ایران و برزیل در دوره پهلوی»، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، شماره ۲۵-۲۴، صص ۲۲۲-۱۷۱.

Coaracy, Vivaldo (1955). *Memórias da Cidade do Rio de Janeiro*. Rio de Janeiro: Livraria José Olympio Editora. Cooper, Tom; B

ishop, Farzad (2004). *Gato de Garras Longas: O Tomcat no Irã*. Revista ASAS: Número 18. Abril/Maio 2004. Available at: http://www.acig.org/artman/publish/printer_459.shtml. Accessed 06 May 2013.

Cooper, Tom; Bishop, Farzad (2006). LUCCHESI, Cláudio. *O Tucano no Irã*. Revista Asas: revista de cultura e história da aviação. Brasília (DF), v.5, n.30.p.62-65. abril-maio 2006.

Estatísticas de comércio exterior - DEPLA (2013). *Intercambio Brasileiro- Ira*, Ministério do Desenvolvimento, Indústria e Comércio Exterior do Brasil. available at: <http://www.desenvolvimento.gov.br/sitio/interna/interna.php?area=5&menu=3785&refr=576>.

Gonçalves, Argiles; Barbosa, Natália and Cerioli Gimenez, Luíza (2012). *As relações bilaterais do Brasil com a Turquia e o Irã*. Seminario Brasileiro de Estudos Estrategicos Internacionais SEBREEI *Integração Regional e Cooperação Sul-Sul no Século XXI*, 20 a 22 de junho de 2012 Porto Alegre/RS, Brasil, available at: <http://www.ufrgs.br/sebreei/2012/wp-content/uploads/2013/01/Natalia-Barbosa-Argiles-Gon%20%97alves-Lu%20%20B1za-Gimenez-Cerioli.pdf>. Accessed on 30 April 2013.

Gonçalves dos Santos, Luís (1825). *Memórias para servir à história do reino do Brasil*. Lisboa: Imprensa Régia, pp. 332-333.

Karmirian, Sarkis (2007). *As Relações do Brasil com países do Oriente Médio*. In III Conferência do Forte Copacabana Segurança Internacional: um diálogo Europa-América do Sul. Konrad Adenauer. Rio de Janeiro pp.169-179.

Iran's Trade with Latin America Remains Stable At US\$4 Billion In 2012 (2013). available at: <http://www.bernama.com.my/bernama/v7/wn/newsworld.php?id=975689>. Accessed on 06 September 2013.

Mortean, Jorge Muniz de Souza (2012). *Comparative Analysis between the Economic Policies of Iran and Brazil and Their Bilateral Trade in the 1970s and in the 2000s*. Masters Dissertation, School of International Relations Ministry of Foreign Affairs, Tehran, Iran.

Mortean, Jorge Muniz de Souza (2013). As recentes relações comerciais entre Brasil e Irã: o Meridionalismo beirando o Oriente Médio. available at: http://www.sebreei.eventos.dype.com.br/resources/anais/21/1365147081_ARQUIVO_TrabalhoSEBREEI_VersaoFinal.pdf.

Pereira, analucia danilevicz (2010). Relacoes exteriores do Brasil III (1964-1990): do Regime Militar a “Nova Republica”. Petropolis (Rio de Janeiro): Editora Vozes, Brasil.

Silva Preiss, José Luiz (2011). As Relações Brasil-Irã: dos antecedentes aos desdobramentos no século XXI (*Brazil-Iran relations: from the background to developments in the XXI Century*, in Portuguese), Buenos Aires: ANMO (África del Norte y Medio Oriente), Año 1, No. 1, Otoño 2011, Páginas 45-60. available at: <http://www.cemoc.com.ar/ANMO%201%20-%203%20Relacoes%20Brasil.pdf>. Accessed on 30 April 2013.

Stockholm International Peace Research Institute- SIPRI (2013). available at: http://armstrade.sipri.org/armstrade/page/trade_register.php.